



جشن

اسپانیایی در سینما آزادی

ساعت ۱۰ یکشنبه‌شب با خستگی غیرقابل تصویری، جهت عکاسی از شهروندان فوتبال‌دوست تهرانی راهی سینما آزادی شدم. من البته دلیل این همه توجه به مسابقاتی که اگر «کامرانی‌فر»ش را می‌گرفتند، دیگر هیچ ارتباطی به ما نداشت، نمی‌دانستم. نوبت دلم هم خیلی راضی به عکاسی کردن از این بازی در سالن سینما نبودم. با این همه با دلی پر از نارضایتی و قلبی اندوهگین راهی شدم. در همان لحظه رسیدنم در ابتدای خیابان وزرا گروهی از جوانان پرشور و شور را با کلاه پوقی و صورت رنگ کرده دیدم، بدون معطلی سر صحبت و رفاقت را با آنها باز کردم و به محض رسیدن به در سینما چند فریم عکس از آنها گرفتم. خواستم جل و پلاسم را جمع کنم و به خانه برگردم و فوتبال را روی کاناپه خانه ببینم ولی چیزی نگذشت که تعداد هواداران دو تیم زیاد شد. پیرمرد و پیرزن، جوان و نوجوان و مرد و زن، با چنان صمیمیتی من را در جمع‌شان راه دادند که کمتر برابرم در موقع عکاسی اتفاق می‌افتاد. کم‌کم از آن حسسی که در ابتدای راه افتادیم به سمت سینما داشتیم اثری در وجودم نبود. به خودم که آمدم، دیدم در سالن سینما هستم و در قالب یک عشق فوتبال تمام‌عیار نه برای طرفداری از تیم خاصی که از لحظه‌لحظه این مسابقه لذت می‌برم. به جرات می‌توانم بگویم دیدن بازی فینال جام جهانی ۲۰۱۰ در سینما آزادی تهران بی‌شک یکی از خاطرات تکرارناشدنی برای همه کسانی است که آن شب را در سینما بودند.

